

روش‌های امام صادق ⁷ در تفسیر قرآن با نگاهی به روایات تفسیری اهل سنت

حسین خاکپور

استادیار دانشکده الهیات دانشگاه سیستان و بلوچستان - گروه علوم قرآن و حدیث

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۲/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۵/۱۱

آگاهی از روش تفسیری معصومان - به‌ویژه امام صادق ⁷ بنیانگذار مکتب جعفری - نه تنها ما را به سوی استفاده صحیح و روشمند از قرآن رهنمود ساخته، بلکه به ما می‌نمایاند که امام چه موقع از این روش‌ها بهره برده‌اند. ضرورت پرداختن به این موضوع وقتی دوچندان می‌نماید که بدانیم روایات فراوانی از این امام در مصادر تفسیری اهل سنت انعکاس یافته و مفسران عامی مذهب به نقل آن‌ها همت گماشته‌اند.

در این مقاله ابتدا روایات تفسیری امام صادق ⁷ در منابع تفسیری اهل سنت را پی‌جویی و استخراج نموده، آن‌گاه با تتبع در آن‌ها روش‌های به کار رفته از سوی امام را در تفسیر قرآن - نه تأویل آن - مشخص نموده و چنین نتیجه گرفته‌ایم که: صادق آل محمد ⁹ در سخنان گوهریار خود، بسته به ظرفیت شنونده و فضای حاکم، با روش‌های گوناگونی قرآن را تفسیر و تبیین نموده‌اند. آن حضرت گاه معنای لغوی واژگان را بیان نموده و گاه با بیان مصداق یا جری و تطبیق، پرده از ابهام آن برداشته‌اند. ایشان در پاره‌ای از موارد با تمثیلی زیبا مشکل‌ترین مطالب را با زبانی ساده بیان می‌کنند. و این همه غیر از مصداق‌های باطنی است که امام در برخی موارد ارائه کرده، به تأویل آیه می‌پردازند.

کلید واژه‌ها: امام صادق ⁷، روش‌های تفسیری، تفسیر، قرآن، اهل سنت.

درآمد

چهارصدگانه حدیث و معارف اسلامی که منبع و آب‌سخور کتاب‌های معتبر بسیاری بوده دستاورد شاگردان با کفایت

امام صادق ⁷ پایه‌گذار دانشگاه بزرگ جعفری است و در درک عظمت و شکوه آن کافی است که گفته شود اصول

و فارغ التحصیلان آن دانشگاه می‌باشد. وجود بی‌بدیل امام به شیعه ختم نمی‌شود، بسیاری از بزرگان اهل سنت به‌خصوص امامان چهارگانه آن‌ها، مستقیم یا غیر مستقیم، از این بیت محمدی^۹ ارتزاق نموده‌اند. بسیاری از اندیشمندان اهل سنت احادیث تفسیری این امام را در کتاب‌های خود نقل نموده و گاه آن را بر سایر روایات ترجیح داده‌اند، لذا ضرورت پرداختن به موضوع حاضر، دو چندان می‌نماید؛ زیرا روشن می‌شود که تأثیر امام در این منابع هم شایان توجه است.

قرآن و عترت از دید امام

حضور قرآن در کنار عترت به استناد حدیث ثقلین همیشگی است، قرآن کتاب صامت است و عترت کتاب ناطق و آنچه قرآن را به نطق درمی‌آورد عترت است. عترت به‌سان قرآن همیشه بوده، هست و خواهد بود و هیچ گاه کهنه نمی‌شود. درباره قرآن به امام^۷ عرض شد: چرا شعر و خطابه به هنگام تکرار خسته‌کننده و ملالت‌آور می‌باشند، ولی قرآن این‌گونه نیست؟ حضرت فرمود: «قرآن حجت و سند نسل آینده و روزگار

آینده است، آن‌گونه که حجت نسل پیشین می‌باشد؛ از این رو قرآن همیشه باطراوت و تازه و شاداب می‌باشد».

آن امام همام قرآن را راست‌گوترین سخن و بهترین هدایت را هدایت محمد^۹ می‌داند و کلام خود را به قول رسول خدا مستند می‌نماید.

مصحب بن سلام از جعفر بن محمد صادق^۷ از پدر بزرگوارشان از جابر بن عبدالله روایت نموده که: رسول خدا^۹ برایمان خطبه خواند، ایشان پس از حمد و ثنای خداوند آن‌گونه که شایسته اوست فرمود: «فإن أصدق الحديث كتاب الله و إن أفضل الهدى، هدى محمد و...»^۲؛ راست‌ترین سخن قرآن و بهترین هدایت، هدایت محمد^۹ است».

آن امام همام به ما می‌آموزد که راه رسیدن به هدایت قرآن درک جایگاه عترت است؛ زیرا قرآن جدای از عترت

۱. تفسیر عبدالرزاق، ج ۱، ص ۹؛ تفسیر ابن عطیة، ص ۴ مقدمه؛ مقلد متان فی علوم القرآن، ص ۶؛ عقیقی بخشایشی، امام صادق پیشوا و رئیس مذهب، ص ۱۶۴.

۲. ابن کثیر، فضائل القرآن، ج ۷، ص ۵۱۱؛ ابونعیم این حدیث را ثابت و صحیح می‌داند؛ حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۱۸۵.

نیست: «القرآن نصفه فینا و نصفه فی عدونا و الذی فی عدونا فهو فینا»؛^۱ قرآن نصفش در مورد ما و نصف آن درباره دشمنان ماست و آنچه درباره دشمنان ماست در حقیقت درباره ماست. (یا حب اهل بیت است یا بغض اهل بیت و تمام آن به گونه‌ای به اهل بیت مربوط است). شهرستانی این حدیث را در تأیید قول خودش می‌آورد که تمام قصص قرآن ذکر دو فرقه مؤمن و کافر، و نیکان و بدان است.

امام صادق^۷ ذیل آیه (أَنتَ مُنذِرٌ و لَکُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) (رعد/۷) می‌فرماید: «کُلَّ اِمَامٍ هَادٍ لَکُلِّ قَوْمٍ فِی زَمَانِهِمْ»؛^۲ هر امامی برای قوم زمان خودش هادی است.

عترت حجت خدا بر زمین و امنای او بر خلقش هستند و بر تمامی مسلمین است تا به این دو (قرآن و عترت) رجوع نمایند. امام صادق^۷ در جواب سؤال

سدیر الصیرفی که عرض کرد: هر کس درباره شما چیزی می‌گوید، عده‌ای می‌گویند بر شما وحی می‌شود و برخی می‌گویند امام با کتاب گذشتگانش فتوا می‌دهد و گروهی می‌گویند در خواب می‌بیند و ...، می‌گوید: «از این‌ها هیچ کدام را مگیر. ما حجت خدا بر زمین هستیم و امنای او بر خلقش. حلال ما از کتاب خدا و حرام ما نیز از آن است».

با تأمل در این گونه روایات و احادیث دیگر امام می‌توان نتیجه گرفت: راه دستیابی به حق و قرار گرفتن در صراط مستقیم و دوری از کجی و انحرافات، تمسک به قرآن و سنجش قول و فعل آدمی با کتاب خداست. قرآن یگانه‌راه برون‌رفت از بن‌بست است آن‌گاه که با تعالیم روحبخش ائمه اطهار تفسیر، تأویل و تبیین می‌شود. اگر کلام و رفتار آدمی در تمام جوانب زندگی از آیات و مقاصد قرآنی به دور باشد، ارزشی ندارد و اگر موافق و همسو با قرآن باشد، ارزشی والا پیدا می‌کند.

روش‌های امام صادق^۷ در تفسیر قرآن

همان‌طور که می‌دانیم بخش عظیمی از روایات تفسیری به پیشوای ششم امام

۱. شهرستانی، مفاتیح الاسرار، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲. قندوزی، ینابیع المودة، ج ۱، ص ۲۳۶، باب ۲۶؛ همان، تحقیق سید علی جمال، ج ۱، ص ۲۹۷؛ و در مصادر شیعه: کمال الدین، ج ۲، ص ۶۶۷، باب ۸۵، حدیث ۹؛ غایة المرام، ۲۳۵، باب ۳۱، حدیث ۶.

جعفر بن محمد⁷ منسوب می‌باشد که در شرایط گوناگون، با استفاده از گونه‌های مختلف تفسیری به شرح و تفسیر آیات کریمه دست می‌یازیدند. این روایات باقی مانده چنانچه از اسناد و محتوای معتبری برخوردار بوده به طوری که انتساب آن به امام⁷ قطعی باشد، مراد خداوند متعال خواهد بود.

شهرستانی از مفسران اهل سنت، طریق امام صادق⁷ را در تفسیر طریق سلامت و علم ایشان را علم الهی می‌داند^۱ و می‌گوید: خداوند با کتابش قرآن بر بندگانش تجلی می‌کند و این را از کلمات جعفر بن محمد الصادق می‌توان فهمید.^۲

آن حضرت با توجه به ظرفیت علمی افراد و توانایی و استعداد آن‌ها از شیوه‌های مختلفی همانند تشبیه، تمثیل، تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر به مأثور و ... برای تبیین و توضیح آیات استفاده

می‌کردند که برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- تفسیر لغوی

شماری از روایات تفسیری امام⁷ به شکلی است که در تبیین آیات، تنها یک واژه یا برخی از واژگان آیه را معنی نموده است. این روش غالباً در مواردی به کار رفته که ظاهر آیه، روشن به نظر آمده و گویی مخاطب نیازی به توضیح بیشتر نداشته، بلکه با بیان معنی واژگان دشوار، مفهوم آیه برایش آشکار می‌شده است. در واقع این‌گونه روایات حکم ترجمه کلمه را دارند.^۳

۱-۱. قال جعفر بن محمد بن علی بن الحسین رضی الله عنهم: «والنجم؛ یعنی محمداً⁹ و إذا هوی، إذا نزل من السماء ليلة المعراج»^۴؛ از امام صادق⁷ روایت شده که نجم محمد⁹ و «اذا هوی» نزول ایشان از آسمان در شب معراج است.

۳. رستمی، آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان، ص ۱۸۹.
۴. تفسیر قرطبی، ج ۱۷، ص ۸۳؛ تفسیر مظهری، ج ۹، ص ۷۶ (الهوی النزول)؛ بغوی، معالم التنزیل، ج ۴، ص ۲۲۳. (ذیل نجم/۱).

۱. مفاتیح الاسرار، ج ۱، ص ۱۹۷.
۲. همان، ج ۱، ص ۱۸۷ «ان الله تعالی تجلی لعباده بکتابه لما من کلمات الصادق جعفر بن محمد رضوان الله و سلامه علیه». شایان ذکر است از بزرگان اهل سنت درباره امام سخنان بسیاری رسیده که از حوصله بحث خارج است.

۱-۲. از امام صادق ^۷ ذیل آیه (انّ فی ذلک لآیات للمتوسّمین) (حجر/۷۵) روایت شده که معنای «متوسّمین، تیزهوشان و نازک‌بینان است»^۱. البته امام در احادیث دیگری مصداق اتم آن را اهل بیت دانسته‌اند.

۳-۱. از امام صادق ^۷ ذیل آیه (وَاتَّبَعْتَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ بِإِيمَانٍ) (طور/۲۱) روایت شده که ایشان معنای «اتبعتهم» را «بمیل اعمال آبائهم»^۲؛ مایل شدن به سوی اعمال پدرانشان دانسته‌اند.

۲- تفسیر به مأثور

اصطلاح تفسیر به مأثور عام است و تفسیر قرآن با روایت و قرآن با کلام صحابه و تابعین را دربر می‌گیرد. از تفسیر به مأثور به عنوان تفسیر نقلی نیز یاد می‌شود که در تفسیر آیه از اثر و نقل نیز بهره می‌گیرند؛ خواه آن اثر و نقل

کلام معصوم ^۷ و یا کلام غیر معصوم مانند صحابه باشد. آنچه در تفسیر به مأثور اصل قرار می‌گیرد همان اثر است.^۳

۱-۲. در مناقب خوارزمی ذیل آیه (ممن خلقنا أمة يهدون بالحقّ و به يعدلون) (اعراف/۱۸۱) روایت شده: امام جعفر صادق ^۷ از پدران خود از علی رضی الله عنهم آورد، رسول خدا ^ﷺ فرمود: ای علی مثل تو مثل عیسی بن مریم است که آن‌ها سه فرقه شدند: گروهی مؤمن، که آن‌ها حواریون بودند. گروهی دشمن عیسی، که آن‌ها یهود بودند و فرقه‌ای غلو کردند و از دین خارج شدند، که آن‌ها جماعت نصاری بودند. امت من به زودی نسبت به تو سه فرقه می‌شوند: عده‌ای پیرو تو اند و تو را دوست دارند؛ آن‌ها مؤمنان هستند. دسته‌ای دشمن تو اند و آن‌ها ناکثین، مارقین و قاسطین هستند و عده‌ای در تو غلو نموده‌اند و آن‌ها گمراهان‌اند.^۴

۲-۲. از امام صادق ^۷ از پدران بزرگوارشان از علی ^۷ ذیل آیه (انّ

۱. آلوسی، روح المعانی، ج ۱۴، ص ۷۴؛ سیوطی، الدر المشور ج ۵، ص ۹۰؛ حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۱۹۲.

۲. حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۹۹؛ نمونه‌هایی دیگر را بنگرید در: تفسیر قرطبی، ج ۱۷، ص ۱۶۹؛ تفسیر مظهری، ج ۸، ص ۲۵۷؛ روح المعانی، ج ۱۴، ص ۷۸؛ محرر الوجیز، ج ۱، ص ۶۵.

۳. مؤدب، روش‌های تفسیر قرآن، ص ۱۲۷.
۴. خوارزمی، المناقب، ص ۳۱۷؛ ینابیع المودّة، ص ۲۵۶، باب ۳۵.

الذین سبقت لهم منا الحسنى) (انبیاء/۱۰۰) روایت شده که ایشان فرمودند: «رسول خدا به من گفتند: این آیه درباره شما نازل شده است»^۱.

در این حدیث امام به طریق مأثور، شأن نزول آیه‌ای را درباره علی^۷ از زبان مبارک رسول الله^۹ نقل می‌کند. شایان ذکر است تقریباً در تمام روش‌های تفسیری امام صادق^۷ تفسیر مأثور به چشم می‌خورد که گاه سند به امام باقر^۷ از جابر از رسول خدا ختم می‌شود و گاهی هم به سند ائمه بزرگوار از رسول خدا^۹ یا علی^۷ نقل نموده‌اند.

۳- تفسیر ادبی

در برخی روایات امام صادق^۷ دیده می‌شود که ایشان گاه کلام و برداشت خود را به قاعده‌ای از قواعد ادبیات عرب مستند می‌سازند و گاه در ضمن بیان تفسیر، نکات ادبی را یادآور

می‌شوند؛ به عنوان نمونه از آن حضرت درباره تفسیر آیه (ان مثل عیسی عند الله کمثل آدم خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون) (آل عمران/۵۹) سؤال شد، ایشان فرمود: معنایش این است که مثل عیسی در خلق همچون مثل آدم است که هر دو از غیر پدر به وجود آمدند. پس به عیسی گفته شد: «کن فیکون». پس «ها» اول در «خلق» به آدم برمی‌گردد و «ها» دوم «در ثم قال له» به عیسی برمی‌گردد.^۲ گفتنی است بغوی در معالم التنزیل ذیل آیه این قول را برگزیده است؛^۳ اما نامی از امام صادق^۷ نمی‌برد و شیخ طبرسی هم در مجمع البیان^۴ این سخن را می‌گوید، اما از گوینده آن یاد نمی‌کند.

۴- تفسیر قرآن به قرآن

یکی دیگر از اسلوب‌های ویژه که امام صادق^۷ برای آشکار نمودن معانی و کشف حقایق وحیانی به کار برده‌اند، روش تفسیر قرآن به قرآن می‌باشد. در این روش،

۲. ابن جوزی، تذکرة الخواص، ج ۱، ص ۱۷۷.

۳. معالم التنزیل، ج ۱، ص ۳۰۹.

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۶۲. نمونه‌ای از

این روش در شیعه: البرهان، ج ۱، ص ۳۰۷ و ص ۳۰۸.

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۸۴؛ نمونه‌هایی دیگر از تفسیر مأثور امام را بنگرید در: تفسیر مظهری، ج ۷، ص ۱۰۹؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۳، ص ۱۶۶؛ تفسیر الدر المشهور، ج ۳، ص ۱۹۳ و ج ۲، ص ۱۸۰.

۴-۲. از امام صادق ^۷ روایت شده که ایشان به سفیان ثوری در ضمن حدیثی می‌فرماید: حمد خدا باعث زیادی نعمت می‌شود؛ چون خدا می‌فرماید: (لئن شکرتم لأزیدنکم) (ابراهیم/۷). استغفار باعث می‌شود که روزی انسان زیاد شود؛ زیرا خدا می‌فرماید (استغفروا ربکم إنه کان غفّاراً * یرسل السماء علیکم مدراراً) (نوح/۱۰ و ۱۱) و «لا حول و لا قوة إلا بالله» کلید هر گشایشی است.^۳

۵- استفاده از جری و تطبیق در تفسیر آیات

«جری» در لغت به معنای روان شدن و جریان داشتن می‌باشد.^۴ جری به معنای جریان داشتن، تعبیری است که

→

(إن رجلاً سأل علیاً عن الهدی مم هو، قال: من الثمانية الأزواج...)
 ۳. الدرّ المشور، ج ۵، ص ۱۸؛ تذکرة الخواص، ج ۲، ص ۴۴۲؛ حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۹۳؛ ابن جوزی، صفة الصفوة، ج ۲، ص ۱۶۸، رقم ۱۸۶؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۶، ص ۲۶۱، رقم ۱۱۷؛ ابن صباغ، الفصول المهمة، ج ۶، ص ۲۲۳؛ حمدون، التذکرة الحمدونية، ج ۱، ص ۱۱۴، رقم ۲۲۱؛ راغب اصفهانی، محاضرات الادباء، ج ۲، ص ۴۶۷.
 ۴. قرشی، قاموس القرآن، ج ۲، ص ۳۰.

هر آیه به وسیله آیات هم‌لفظ و هم‌محتوا کشف و دریافت می‌شود. بنابراین در این شیوه هدف مفسر آن نیست که مفاهیم آیه‌ها را به سمت مشخصی هدایت کند، بلکه می‌کوشد - از نگاه خود - به قلمرو تفسیر و فهم آیه راهی بگشاید. قرآن که بیانگر همه چیز است قطعاً مبین خود نیز هست. تمام دانشمندان بر آنند که شریف‌ترین و بهترین انواع تفسیر استفاده از خود قرآن است؛ زیرا هیچ‌کس آگاه‌تر به مفاهیم کلام الهی از خداوند متعال نیست.^۱

۴-۱. از امام صادق ^۷ (به سند پدران بزرگوارشان از امام علی ^۷) نقل شده که شخصی دربارهٔ قربانی «هدی» سؤال کرد که شامل چه حیواناتی می‌شود و امام با توجه به آیات (یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود أحلت لكم بهیمة الأنعام) (مائده/۱) و (لیذکروا اسم الله علی ما رزقهم من بهیمة الانعام) (حج/۳۴) و (من الضأن اثنین و من المعز اثنین) (انعام/۱۴۳)، بیان فرمودند که قربانی باید از هشت حیوان نام برده باشد.^۲

—

۱. علوی‌مهر، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ص ۶۷؛ روش‌های تفسیر قرآن، ص ۶۸.
 ۲. الدرّ المشور، ج ۳، ص ۱۹۳ (ذیل انعام ۸۴-۸۵)؛

←

«مستضعف» هستید. مفضل پرسید: پس معنای آیه چه می‌شود؟ رسول خدا گفت: معنایش این است شما ائمه پس از من هستید، خداوند می‌گوید: «و نرید» این آیه تا روز قیامت در مورد ما جاری و ساری است.^۳

۵-۲. از امام صادق ^۷ روایت شده «مائیم جبل الله که خداوند فرمود به آن چنگ زنید و متفرق نشوید». ^۴ و نیز روایت شده که ایشان مصداق «اولوالامر» را امامان اهل بیت دانسته‌اند.^۵

۵-۳. در تفسیر روح المعانی ذیل آیه (ثم أوردنا الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا) (فاطر/۳۲) می‌گوید: امامیه از صادق و باقر رضی الله عنهما روایت کرده‌اند که مراد از آیه فقط ما اهل‌البيت هستیم و ائمه برگزیدگان کسانی هستند که کتاب را به ارث برده‌اند. آلوسی می‌گوید طبرسی این قول را برگزیده است و در تفسیر مجمع البیان گفته که

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳۱.

۴. الکشف والبیان، ذیل آیه آل عمران/۱۰۳؛ ینابیع المودة، ص ۱۹، باب ۵۸؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۵۱.

۵. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۵؛ ینابیع المودة، ص ۲۶۷، باب ۳۸.

خود ائمه برای بیان استمرار پیام قرآن در همه زمان‌ها به کار برده‌اند و مراد از آن انطباق الفاظ و آیات قرآنی است بر مصادیقی غیر از آنچه درباره آن‌ها نازل شده است؛ به گونه‌ای که از مخاطبان اولیه خود گذر کرده و بر افرادی که در قرن‌های بعد می‌آیند، منطبق می‌شوند.^۱

در روایات، بسیاری الفاظ و آیات قرآن کریم بر پیامبر اکرم ^۹ و ائمه : و مخالفان آن‌ها انطباق یافته است. ادله‌ای که می‌تواند امر جری و تطبیق در روایات تفسیری را تأیید نماید، متعددند. پاره‌ای از آن‌ها خود اخبار جری می‌باشند که در آن‌ها بر دائمی بودن احکام و معارف قرآن و استمرار خطاب قرآن به مصادیق جدید تأکید شده است.^۲

۵-۱. به عنوان نمونه: حاکم حسکانی ذیل آیه (و نرید أن نمُنَّ علی الذین استضعفوا فی الارض ...) (قصص/۵) می‌گوید: از جعفر بن محمد الصادق ^۷ روایت شده که رسول خدا ^۹ به علی، حسن و حسین : نگاه کرد و گریه نمود و سپس گفت: شما پس از من

۱. میرباقری، ظاهر قرآن و باطن قرآن، ص ۲۳۶.

۲. شاکر، روش‌های تأویل قرآن، ص ۱۴۹.

این نزدیک‌ترین قول است؛ زیرا آن‌ها شایسته‌ترین مردم هستند که دارای اوصاف و شایستگی‌های انبیاء می‌باشند. آلوسی می‌گوید: شاید کلام را بتوان با حدیث ثقلین «انی تارک فیکم ...» تقویت نمود و میان این دو رابطه‌ای برقرار کرد، اما به نظر من حمل آیه بر تمام علمای امت بهتر است و علمای اهل‌بیت به طریق اولی داخل آن هستند، زیرا در خانه آن‌ها قرآن نازل شده است و این دو (قرآن و عترت) جدا نمی‌شوند تا این‌که روز قیامت در حوض بر رسول خدا وارد شوند.^۱

اقرار آلوسی - که به تعصب مشهور است - به همین اندازه هم جای شگفتی دارد؛ چون به نوعی سخن شیخ طبرسی را تأیید می‌کند که این خاندان محل نزول قرآن و عدل آن هستند و هیچ‌گاه از قرآن جدا نمی‌شوند. علاوه بر این، آلوسی در صفحه بعد مطالبی را بیان نموده و بدون اظهار نظر می‌گذرد که نشان می‌دهد حداقل در برخی موارد با شیعه هم‌رأی و نظر است.^۲

۴-۵. ذیل آیه (فاستلوا اهل الذکر ان کتم لا تعلمون) (نحل/۴۳) روایت شده که: راوی از امام صادق^۷ پرسید: عده‌ای در (فاستلوا اهل الذکر) می‌گویند مراد از ذکر، تورات است و اهل ذکر، علمای آن‌ها هستند، امام فرمود: به خدا قسم در این صورت آن‌ها ما را به دین خودشان می‌خوانند، بلکه به خدا قسم ما اهل ذکر هستیم که خداوند مردم را امر نموده از ما سؤال نمایند. از علی^۷ هم این‌گونه روایت شده است.^۳ در این گونه روایات مشاهده می‌شود که ایشان آیه‌ای از قرآن را بر شخص یا گروهی خاص جاری و ساری ساخته یا آن را درباره اهل‌بیت : دانسته‌اند؛ زیرا قرآن حجت بر تمام روزگاران است و این از اسرار ماندگاری قرآن در بستر زمان است.

شایان ذکر است استفاده از این شیوه را می‌توان در جای‌جای روایات امام

→ —

سخن دیگر او که تصریح می‌کند ائمه اهل‌بیت صراط مستقیم و عروة‌الوثقی هستند کنار یکدیگر قرار دهیم جایگاه بی‌بدیل اهل‌بیت : در سخن او آشکار می‌شود.

۳. تفسیر شهرستانی، مقدمه، ج ۱، ص ۲۰.

۱. روح المعانی، ج ۲۲، ص ۱۹۵.

۲. همان ج ۲۲، ص ۱۹۶، اگر این گفتار آلوسی را با

←

صادق⁷ مشاهده کرد^۱ که به همین اندک بسنده می‌کنیم.

۶- استفاده از تشبیه و تمثیل در تفسیر آیات

تشبیه از ارزنده‌ترین و برترین انواع بلاغت است. تشبیه در لغت همان تمثیل است. از این‌رو واژه‌های تشبیه، تمثیل و مماثلت دارای مفاد مشترک می‌باشند و در اصطلاح عبارت است از پدید آوردن مماثلت و مشارکت حداقل میان دو شیء در یکی از ویژگی‌ها و هدف از آن اظهار مشکل‌ترین مطالب در قالب روشن‌ترین عبارات و خارج ساختن آن از ابهام به مرحله روشنایی و وضوح است؛ خواه هردو طرف تشبیه محسوس یا عقلی یا متفاوت باشد.^۲

آن امام همام نیز در برخی موارد از

این شیوه بهره برده‌اند که بیشتر در مسائل کلامی به چشم می‌خورد؛ به عنوان نمونه از ایشان درباره آیه (یوم تُبدَلُ الأرضُ غیر الأرض) سؤال شد، امام فرمود: «تبدَلُ خبزة يأكل منها الخلق يوم القيامة»^۳؛ در آن روز زمین به نانی تبدیل گردد که مردم از آن می‌خورند.

در این حدیث امام کلام خود را با تشبیهی بیان نموده‌اند.

۷- تفسیر آیات با توجه به اسباب نزول

از ویژگی‌های روش عقلا این است که مقصود سخن را با توجه به شرایطی که کلام در آن صادر شده به دست می‌آورند، یعنی علت و سبب آن گفتار، زمان و مکانی که کلام گفته شده است و فرهنگ و ذهنیت مردم آن زمان، همه این‌ها را در مشخص شدن معنای کلام تأثیرگذار می‌بینند. امام صادق⁷ نیز این

۱. نمونه‌هایی دیگر از این روش: تفسیر قرطبی، ج ۲۰، ص ۹۰، (ضحی/۱)؛ ج ۱، ص ۱۱۱ (شعراء/۸۰)؛ جوینی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۳۶، (نمل/۸۹)؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۱۹۸، (نمل/۸۹-۹۰)؛ شوکانی، فتح القدير، ج ۲، ص ۱۴۰؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۶۴-۲۶۶؛ ینابیع المودة، ص ۲۳۵، باب ۲۸، و ص ۲۳۸، باب ۲۹.

۲. ابن‌ناقیاء، الجمان فی تشبیهات القرآن، ص ۲۰۵.

۳. نحاس، معانی القرآن، ج ۳، ص ۵۴۵؛ تفسیر قرطبی، ج ۹، ص ۳۸۴، این حدیث از امام باقر⁷ هم نقل شده است و نیز نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۵۷ (از امام صادق⁷). نمونه‌هایی دیگر در منابع شیعه: البرهان، ج ۳، ص ۱۷۳؛ آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان، ص ۱۸۸؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۵۴.

روش را در کلام خود به کار گرفته‌اند.

۷-۱. صالح بن سهل از جعفر صادق^۷ روایت کرده که ایشان فرمود: آیه (کلّ شیءٍ أَحْصیناه فی إمام مبین) (یس/۱۲) در شأن امیرالمؤمنین^۷ نازل شده. عمار یاسر رضی الله عنهما گوید: من با امیرالمؤمنین^۷ راه می‌رفتیم، عبور کردیم به جایی که پر از مورچه بود. من عرض کردم: ای امیرالمؤمنین از خلق خدا کسی هست که شماره این مورچه‌ها را بداند، فرمود: بلی ای عمار! من می‌شناسم مردی را که داناست به شماره آن‌ها و عالم است به این‌که آن‌ها چه مقدار مؤنث و چه اندازه مذکر است. عرض کردم: آن مرد کیست؟ فرمود: ای عمار نخواندی در سوره یس (و کلّ شیءٍ أَحْصیناه فی إمام مبین) عرض کردم: ای مولای من قرائت کرده‌ام. فرمود: آن امام من هستم.^۱

۷-۲. عن جعفر الصادق^۷ قال فی قوله: (کفی الله المؤمنین القتال) (احزاب/۲۵) «بعلی؛ لأنه قتل عمرو بن عبد ود»^۲ از امام صادق^۷ روایت شده

که در مورد سخن خدای تعالی فرمود: خداوند مؤمنین را به قتال علی بن ابی طالب کفایت می‌کند؛ زیرا او عمرو بن عبد ود را کشت.

در تفسیر روح المعانی هم روایت شده که ابن ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر از ابن مسعود روایت کرده‌اند که «انه لقرأ هذا الحرف و کفی الله المؤمنین القتال بعلی بن ابی طالب»، سپس آلوسی می‌گوید در مجمع البیان این حدیث از ابی عبدالله روایت شده است.^۳ گفتنی است قرأ در این جا به معنای فسر است و روایت ابن مسعود از اضافات تفسیری به شمار می‌آید که روایت قندوزی در ینابیع و دیگران آن را تأیید می‌کند.

۷-۳- در کتاب اسباب النزول واحدی از امام صادق^۷ از پدرشان از جابر ذیل آیه (یا ایّها الذین آمنوا أنفقوا من طیبات ما کسبتم) (بقره/۲۶۷) روایت شده که

→

ص ۳۱۹؛ کشف الغمّه، ج ۱، ص ۴۳۶.

۳. روح المعانی، ج ۲۱، ص ۱۷۵؛ ینابیع المودّة، ص ۲۲۱، باب ۲۳؛ الدرّ المنثور، ج ۵، ص ۱۹۲؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۵، حدیث ۶۳۴؛ و در منابع شیعه: غایة المرام، ص ۴۲۰، باب ۱۷۰، حدیث ۱ و ۲؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۸۳.

۱. ینابیع المودّة، ص ۱۷۷، باب ۱۴؛ البرهان، ج ۴، ص ۶، حدیث ۷ (از امام صادق^۷).

۲. روح المعانی، ج ۲۱، ص ۱۵۶؛ الدرّ المنثور، ج ۲،

←

نتیجه گیری

با تتبع در بیانات گوهر بار ششمین اختر تابناک آسمان ولایت، صادق آل محمد⁹ در روایات تفسیری اهل سنت، روش‌ها و گونه‌های مختلفی از تفسیر را مشاهده می‌کنیم که امام بسته به شرایط موجود و در سطح درک سؤال‌کننده قرآن را تفسیر می‌نمود، که موارد ذیل از آن جمله است:

۱- تفسیر لغوی: در این روش امام فقط به توضیح واژه می‌پردازد، گاهی با بیان مصداق واژه معنای آن را روشن می‌سازد و گاهی معنی آن را بیان می‌دارد. این‌گونه تفسیر را اولین قسم تفسیر می‌توان دانست.

۲- تفسیر ادبی: در این روش، امام برداشت خود را از آیه با کمک قواعد عربی توضیح می‌دهد، یا ضمن تفسیر به نکته‌ای ادبی هم اشاره می‌کند.

۳- تفسیر قرآن به قرآن: از آن‌جا که قرآن مبین خود می‌باشد، امام گاه برای تفسیر آیه‌ای از آیه‌ای دیگر کمک می‌گیرد. این قسم را می‌توان متقن‌ترین نوع تفسیر به‌شمار آورد.

۴- استفاده از روایت: امام صادق⁷ در تفسیر آیه از روایت‌های پدران خود و رسول خدا⁹ استفاده می‌کند. این‌گونه روایات دو قسم است؛ گاه به جابر از

رسول خدا دستور دادند از خرماهای خوب زکات فطره بدهند و فردی از خرمای نامرغوب زکات فطره داد؛ پس این آیه نازل شد.^۱

۴-۷. ذیل آیه (هو الذی آتدک بنصره و بالمؤمنین) (انفال/۶۲) ابو نعیم حافظ به سند خود از ابوهریره و از ابی صالح از ابن عباس و نیز از امام صادق (رضی الله عنهم) روایت شده که گفته‌اند این آیه در شأن علی⁷ است و رسول خدا⁹ فرمود: نوشته شده است بر عرش: «لا اله الا الله وحده لا شریک له محمد عبدی و رسولی، آتدته و نصرته بعلی بن ابی طالب»؛ نیست معبود بحق سزاوار پرستش مگر خدا که یکتاست و شریک ندارد. محمد بنده و فرستاده من است. کمک و نصرت دادم او را به علی بن ابی طالب.^۲

۱. واحدی، اسباب النزول، ص ۴۷۸ (امر النبی بزکاة الفطر بصاع من تمر)؛ الدرّ المنثور، ج ۲، ص ۵۹.
۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۲۳، حدیث ۲۹۹ و ج ۱، ص ۲۲۴، حدیث ۳۰۰؛ ابن بطریق، خصائص الوحی، ص ۱۷۸، حدیث ۱۳۲؛ الكنجدی، کفایة الطالب، ص ۲۳۴، باب ۶۲؛ ترجمة الامام علی (ابن عساکر)، ج ۲، ص ۴۱۸، حدیث ۹۳۴؛ ینابیع المودة، ص ۲۲۲، باب ۲۳.

رسول خدا و گاه به امام علی 7 از رسول خدا ختم می شود.

۵- استفاده از تشبیه و تمثیل: امام در این روش، مشکل ترین مطالب را با تمثیل های بسیار ساده بیان می کند.

۶- تفسیر از راه جری و تطبیق: در این روش، امام آیه ای را بر غیر آنچه در مورد آن نازل شده، جاری می کند. شایان ذکر است آنچه بیان شد، جدای از تأویلات امام صادق 7 است که پرداختن به آن مجال دیگری می طلبد.

منابع

۱- قرآن کریم

۲- ابن بطریق، یحیی بن حسن الحلّی (المعروف بابن البطریق)، *خصائص الوحی المبین*، تحقیق محمدباقر محمودی، طهران، منشورات مطبعة وزارة الارشاد الاسلامی، ۱۴۰۶ق.

۳- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد ابوالفرج، *صفة الصفوة*، تحقیق محمود فاخوری، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶ق.

۴- ابن صباغ مالکی، نورالدین، *الفصول المهمة فی معرفة الائمة*، المطبعة الحیدریة، نجف اشرف.

۵- ابن عطیه، ابی محمد عبدالحق، *تفسیر المحرر الوجیز*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۲م.

۶- اسفرائینی، *تفسیر تاج التراجم*، تهران انتشارات علمی - فرهنگی، ۱۳۷۵.

۷- الجوینی، ابراهیم، *فرائد السمطین*، بیروت،

مؤسسة المحمودی للطباعة و النشر.

۸- حسکانی، عبید الله بن احمد الحنفی، *شواهد التنزیل لقواعد التفصیل*، تحقیق محمد باقر المحمودی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ق.

۹- حمدون، محمد بن الحسن بن محمد بن علی، *تذکرة الحمادونیة*، تحقیق احسان عباس و بکر عباس، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۶م.

۱۰- الخوارزمی، الموفق بن احمد، *مناقب الامام علی*، تحقیق الشیخ مالک المحمودی، قم.

۱۱- الذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق شعیب الأرنؤوط و علی ابوزید، بیروت، مؤسسة الرساله، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۶ق.

۱۲- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *محاضرات الادباء*، بیروت، منشورات دار مکتبة الحیة.

۱۳- سبط ابن جوزی، *تذکره الخواصر*، تحقیق الشیخ حسین تقی زاده، بیروت، مؤسسة اهل البیت، ۱۴۲۶ق.

۱۴- السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، *الدرّ المنثور*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ق.

۱۵- شاکر، محمدکاظم، *روش های تأویل قرآن*، انتشارات قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، زمستان ۱۳۷۶.

۱۶- الشبلنجی، مؤمن بن حسن بن مؤمن، *نور الابصار*، بیروت، دار الکتب العلمیة.

۱۷- الشوکانی، محمد بن علی، *فتح القادیر*، اعتنى به یوسف الغوش، بیروت، دار المعرفة.

۱۸- الصنعانی، عبد الرزاق بن همام، *تفسیر*

تحقيق محمود محمد عبده، بيروت، دار
الكتب العلمية.
١٩- عقيقى بخشايشى، عبد الرحيم، امام
صادق ⁷ پيشوا و رئيس مذهب، تهران،
دفتر نشر نويد اسلام.

٢٠- علوى مهر، حسين، روشها و گرايشهاى
تفسيرى، قم، انتشارات اسوه، ١٣٨١.

٢١- قرطبى، ابو عبد الله بن احمد، الجامع
لاحكام القرآن، بيروت، دار احياء التراث
العربى، ١٤٠٥ق.

٢٢- القندوزى الحنفى، ابراهيم، ينابيع المودة
لذوى القربى، تحقيق سيد على جمال اشرف
الحسينى، قم، دار الاسوه، ١٤٢٢ق. و ترجمه
سيد مرتضى توسليان، تهران، چاپخانه
بزرگمهر.

٢٣- الكنجى، محمد بن يوسف، كفاية الطالب،
تحقيق محمد هادى الامينى، طهران، دار
احياء تراث اهل البيت، الطبعة الثانية،
١٤٠٤ق.

٢٤- المحمودى، محمد باقر، ترجمة الامام امير
المؤمنين من تاريخ دمشق لابن عساكر،
مؤسسة المحمودى، الطبعة الثانية، ١٣٩٨ق.

٢٥- المظهرى، القاضى محمد ثناء الله، تفسير
المظهرى، تحقيق احمد غرو عناية، بيروت،
دار احياء التراث العربى، ١٤٢٥ق.

٢٦- مقدمتان فى علوم القرآن، تحقيق آرتور
جفرى، طبع الخانجى، ١٣٧٢.

٢٧- الواحدى، ابى الحسن على بن احمد،
اسباب النزول، رياض، دار الثقافة الاسلامية،
١٩٨٤م.

٢٨- الهيثمى المكي - ابن حجر، الصواعق
المحرقة، بيروت، دار الكتب العلمية.